

دیدگاه دانش‌آموزان دبیرستانی نسبت به سهم اولیاء مدارس و کتب درسی در پرداختن به مسائل خانواده

دکتر احمدرضا نصرافهانی[✉]، فاطمه بهجتی اردکانی^{**}،

دکتر مریم فاتحی‌زاده^{***}، رحمتا... محمدی^{****}

چکیده:

بعد از خانواده، مهم‌ترین سازمان مؤثر در تکوین شخصیت و رشد جنبه‌های مختلف انسان، مدرسه است. بنابراین، رشد مهارت‌ها و استعدادها لازم برای زندگی افراد در جامعه باید یکی از اهداف اساسی مدرسه محسوب شود. با توجه به این‌که آموزش مسائل زندگی خانوادگی به دانش‌آموزان می‌تواند در استحکام خانواده و کاهش ناهنجاری‌هایی از قبیل طلاق نقش داشته باشد؛ این پژوهش درصدد بررسی این موضوع است که از دید دانش‌آموزان چهار عامل آموزشی: مدیر، دبیر، مشاور، مربی پرورشی و کتاب‌های درسی تا چه حد به مسائل زندگی خانوادگی در دبیرستان می‌پردازند. این تحقیق توصیفی - تحلیلی است و جامعه آماری آن را دانش‌آموزان دختر سال سوم نظام متوسطه نظری در سه شهر یزد، اردکان و میبد تشکیل می‌دهند. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای متناسب با حجم، ۲۱۰ دانش‌آموز از جامعه انتخاب گردید. برای جمع‌آوری داده‌ها از یک پرسشنامه محقق ساخته شامل ۴۶ سؤال به سبک لیکرت و پنج سؤال باز پاسخ استفاده شد. داده‌های آن با نرم‌افزار SPSS در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های حاصل از پژوهش مشخص نمود که نقش عوامل آموزشی در آموزش مسائل خانواده، از نظر دانش‌آموزان کمتر از سطح متوسط (۳) می‌باشد. البته نقش این عوامل به نظر آن‌ها یکسان نبوده، بیشترین تأثیر مربوط به نقش مدیران و کمترین تأثیر مربوط به نقش دبیران بوده است. براساس این یافته‌ها نتیجه‌گیری می‌شود که عملکرد دبیرستان‌ها در آموزش مسائل زندگی خانوادگی از دید دانش‌آموزان کمتر از حد مورد انتظار آنان بوده، لازم است برنامه‌ها و کتاب‌های آموزشی ویژه‌ای برای آموزش مسائل زندگی خانوادگی برای دانش‌آموزان تدارک دیده شود.

کلیدواژه‌ها: مسائل زندگی خانوادگی، دبیرستان، مدیر، مشاور، مربی پرورشی، کتاب‌های درسی، یزد.

* دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان

** مدرس مراکز تربیت معلم یزد

*** استادیار گروه مشاوره دانشگاه اصفهان

**** عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان

✉ نویسنده مسئول: اصفهان، خ هزار جریب، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی گروه مشاوره

تلفن: ۰۳۱۱-۷۹۲۲۳۱۵

دورنما: ۰۳۱۱-۶۶۸۳۱۰۷

پست الکترونیک: ARNasr@edu.ac.ir

مقدمه

ورود به هر مرحله از زندگی، رشد و آمادگی خاصی لازم دارد تا انسان بتواند از آن مرحله زندگی بیشترین استفاده را ببرد. از جمله مراحل بسیار مهم زندگی دوران زندگی خانوادگی است. خانواده مهم‌ترین نهاد اجتماعی است که فرصت‌های ارزشمندی برای رشد و پیشرفت در اختیار فرد قرار می‌دهد. چنانچه مهارت‌های لازم برای استفاده از این فرصت قبلاً کسب شده باشد، افراد می‌توانند با مسائل و مشکلات به‌طور منطقی برخورد نمایند. از آنجا که اساس خانواده بر اخلاق و رفتار انسانی استوار است که با تربیت صحیح تحقق می‌یابد، ضروری است عوامل تربیتی دبیرستان به این مهم توجه زیادی مبذول دارند. حضرت امام‌خمينی (۱۳۵۸) اظهار می‌دارند «اگر در دبیرستان‌ها که جوان‌های ما می‌روند تهذیب در کار نباشد، ادب اسلامی در کار نباشد و از علوم اسلام و از احکام اسلام خبری نباشد، رو به زوالیم، یعنی هم اسلام به باد می‌رود و هم کشور».

امروزه دانش‌آموزان با استرس‌های فراوانی مانند تعارض و خشونت والدین، قرارگرفتن در خانواده‌های تک‌والدی، مواجهه با گروه‌های بزهکار و مواد مخدر روبه‌رو هستند. پژوهشگران برآورد کرده‌اند که ۱۶ تا ۲۵٪ از ترک تحصیل دانش‌آموزان قبل از فارغ‌التحصیل شدن، به دلیل وجود این مشکلات است (موت^۱، و وودارسکی^۲، ۱۹۹۷). وجود این‌گونه فشارها و عدم کفایت دانش‌آموزان در برخورد صحیح با آن‌ها، علاوه بر ترک تحصیل می‌تواند مشکلات فراوانی از قبیل تعارضات خانوادگی، بی‌کفایتی اجتماعی، ترک تحصیل در دانشگاه، بزهکاری و اعتیاد را در بزرگسالی به همراه داشته باشد. از نظر اسلاوین^۳ (۱۹۸۹) امروزه دانش‌آموزانی که در مسایل اساسی زندگی کمبودهایی دارند جزء دانش‌آموزان در معرض خطر قلمداد می‌شوند. لذا مدارس باید تلاش نمایند تا از مقطع دبستان به مسائل مربوط به زندگی خانوادگی بپردازند.

از سوی دیگر، بسیاری از دانش‌آموزان در دوره نوجوانی (۱۳ تا ۱۷ سالگی) با مسائل رشدی دشواری روبه‌رو می‌شوند، برخی از آن‌ها عبارتند از: بلوغ جنسی، تحول‌شناختی، طغیان عواطف و اهمیت برقراری روابط اجتماعی و عضویت یافتن در گروه همسالان (نیومن^۴ و نیومن، ۱۹۸۷). دانش‌آموزان در این سن نیاز به فراگیری آموزش‌هایی مانند آمادگی برای تشکیل و تداوم زندگی خانوادگی، کسب اعتماد به نفس و هویت‌یابی فردی و گروهی دارند. مسائل زندگی خانوادگی که موضوع اصلی پژوهش حاضر است شامل «آموزش‌های لازم برای بقاء زندگی با دیگران و موفق شدن در یک جامعه پیچیده می‌شود» (هامبورگ^۵، ۱۹۹۰). درباره نقش و اهمیت آموزش این مسایل، وودارسکی (۱۹۸۸) معتقد است که می‌توان از برنامه آموزش مسائل زندگی به‌عنوان یک برنامه پیشگیرانه در مورد نوجوانان استفاده کرد.

بنابراین، مدرسه باید به دانش‌آموزان کمک کند تا محیط اجتماعی را بهتر درک کنند و بتوانند به‌طور منطقی خود را با آن سازگار نمایند. در مواجهه با تغییرات جامعه، بتواند خود را برای مقابله و برخورد با شرایط جدید تطبیق دهد. اولیاء مدرسه باید به دانش‌آموز کمک کنند تا به رغبت‌ها، تمایلات، استعدادها، احتیاجات و امکانات خویش پی ببرند و آن را در جهت رشد مهارت‌هایی که برای ادامه زندگی در جامعه ضروری به نظر می‌رسد به کار گیرد (هالووی^۶، ۱۹۸۴، به نقل از فاتحی‌زاده، ۱۳۸۰). در میان مقاطع مختلف تحصیلی، دوره دبیرستان از نظر پرورش رشد و بلوغ اجتماعی اهمیت به‌سزایی دارد. این دوره زمان رفتن به سوی بلوغ برای انتقال، مسئولیت و انضباط می‌باشد (ماسن^۷، ترجمه یاسایی، ۱۳۷۰). با توجه به اهمیت دوران جوانی، محیط مدرسه باید به‌گونه‌ای باشد که قابلیت‌ها را براساس آنچه موردنظر است، در افراد پروراند و شخصیت و استعداد آنان را از قوه به فعل درآورد. صفات ضد و نقیض را دور نگه داشته، زمینه‌ای متعادل در آنان ایجاد کند؛ طرز صحیح زندگی کردن و اصول و آداب آن را بیاموزد. به‌تدریج که تمایلات اجتماعی در فرد رشد می‌کند، مربیان مدرسه باید اصول و ضوابط حیات اجتماعی، تحمل برخی از مرارت‌ها برای حیات، کنار آمدن و انس و الفت با مردم را در برنامه‌های آموزشی و تربیتی خود قرار دهند (سعادت‌مند، ۱۳۷۱). دانش‌آموزان دبیرستانی دارای ویژگی‌های مثبت فراوانی برای عبور از تنگناها و ناهمواری‌های زندگی هستند که انس با محیط و سازگاری در زمره آنهاست. در نتیجه، آشنایی با فرهنگ سازگاری، تحمل گرفتاری‌ها و ناملایمات را می‌توان در محتوای کتاب‌های درسی به دانش‌آموزان آموزش داد. هم‌چنین، قناعت و میانه‌روی، بردباری و شکیبایی، پرهیز از سخت‌گیری و توجه به ناپایداری دشواری‌ها از فضائل انسانی است که کتاب‌های درسی می‌تواند محل مناسبی برای آموزش آنها باشد (هاشم‌زاده، به نقل از بهجتی، ۱۳۸۲). با توجه به این نکات، از چهار عامل معلم، مدیر، کتاب‌های درسی و مشاوران در آماده کردن دانش‌آموزان برای زندگی آینده، هدف این مقاله آن است که بررسی نماید هر یک از این عوامل تا چه حد به مسائل مربوط به زندگی خانوادگی در دبیرستان‌های شهرهای یزد، اردکان و میبد می‌پردازند.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

نوع تحقیق، توصیفی - تحلیلی است که از پرسشنامه محقق ساخته برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است.

جامعه این پژوهش عبارت است از کلیه دانش‌آموزان دختر سال سوم متوسطه نظری در سه شهر یزد، اردکان و میبد در سال تحصیلی ۸۲ - ۱۳۸۱ که شامل ۴۶۶۷ نفر می‌باشند. انتخاب دانش‌آموزان سال سوم به این دلیل بوده است که آنها نسبت به دانش‌آموزان سال‌های اول و دوم، آگاهی

بیشتری از عملکرد مشاور، مدیر، مربی تربیتی و دبیران دبیرستان دارند و کتاب‌های درسی بیشتری را نیز مطالعه کرده‌اند. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای متناسب با حجم و با استفاده از فرمول‌های مربوط تعداد ۲۱۰ نفر (یزد ۱۶۰ نفر، اردکان ۲۵ نفر و میبد ۲۵ نفر) به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. ۴۶٪ افراد نمونه از شهر یزد، ۳۳٪ از اردکان و ۲۱٪ از شهر میبد بوده‌اند که این درصدها با توزیع دانش‌آموزان دختر سال سوم دبیرستان سه شهر مذکور همخوانی دارد. از سوی دیگر، تلاش شد تا دانش‌آموزان از دبیرستان‌های نقاط مختلف سه شهر مذکور انتخاب شوند.

ابزارهای پژوهش

با توجه به ماهیت موضوع و روش تحقیق، از ابزار پرسشنامه برای گردآوری داده‌ها استفاده شد. به دلیل فقدان پرسشنامه استاندارد شده در ارتباط با موضوع پژوهش، بر مبنای اطلاعات حاصل از منابع مربوط به موضوع و با تکیه بر نظرات اساتید متخصص، مشاورین و مربیان تربیتی مدارس متوسطه، پرسشنامه‌ای مرکب از ۴۶ سؤال بسته پاسخ بر مبنای مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت و چهار سؤال باز پاسخ تهیه شد. سؤالات بسط پاسخ در چهار حیطه تهیه و تنظیم شد که ۲۷٪ سؤالات (۱۲ سؤال) مربوط به دبیران، ۳۱٪ (۱۴ سؤال) مربوط به مشاوران و مربیان تربیتی، ۲۱٪ (۱۰ سؤال) مربوط به مدیران و ۲۱٪ (۱۰ سؤال) نیز به کتب درسی اختصاص یافت. به‌منظور تعیین روایی، پرسشنامه مقدماتی در اختیار ده نفر از استادان صاحب‌نظر قرار گرفت و پس از اعمال نقطه‌نظر آن‌ها، برای مطالعه مقدماتی بین دانش‌آموزان توزیع و جمع‌آوری شد. برای تعیین پایایی پرسشنامه، از فرمول آلفای کرانباخ استفاده گردید که مقدار آن با نرم‌افزار SPSS، ۰/۹۱ برآورد شد. نتایج برآورد ضریب پایایی برای هر یک از چهار حیطه به این شرح: حیطه دبیران ۰/۸۷، حیطه مشاوران و مربیان تربیتی ۰/۸۵، حیطه مدیران ۰/۸۱ و حیطه کتب درسی ۰/۸۷ بدست آمد. علاوه بر پرسشنامه مذکور، در پنج سؤال باز پاسخ از دانش‌آموزان درخواست شد تا نظر خود را درباره اقداماتی که دبیران، مدیران، مشاوران و مربیان تربیتی و کتاب‌های درسی می‌توانند برای آموزش مسائل زندگی خانوادگی به دانش‌آموزان و در نتیجه استحکام خانواده انجام دهند، بیان کنند.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌های پرسشنامه در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در سطح توصیفی از شاخص‌های فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار استفاده شد. در سطح استنباطی، متناسب با نوع داده‌ها، آزمون‌های زیر مورد استفاده قرار گرفت: به منظور مقایسه توزیع نمره‌های هر یک از مقوله‌های اساسی پژوهش با توزیع نرمال، از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف استفاده شد. نتایج آزمون نشان داد که تمامی نمره‌ها از توزیع نرمال یا هنجار پیروی می‌نماید. از این رو، برای سنجش چهار حیطه موردنظر این تحقیق، از آزمون پارامتری T تک‌نمونه‌ای استفاده شد.

همچنین از آزمون T با دو گروه مستقل، تحلیل واریانس یک‌طرفه و توکی برای مقایسه نظرات پاسخگویان نسبت به نقش عوامل آموزشی در آموزش مسائل زندگی خانوادگی برحسب شهر، رشته تحصیلی، میزان ضرورت، شرکت و علاقه‌مندی دانش‌آموزان به فعالیت‌های فوق برنامه استفاده شد.

در آزمون t تک نمونه‌ای، چون میانگین میزان آموزش مسائل زندگی خانوادگی در آموزشگاه‌های جامعه در اختیار نبود، میانگین نظری ۳ مبنای محاسبه قرار گرفت. انتخاب این عدد به خاطر قرارگرفتن در حد وسط مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت تا اندازه‌ای توجیه‌پذیر اما قراردادی است. اطلاعات مربوط به سؤالات باز پاسخ پرسشنامه، با توجه به نکات مشترک مباحث، مقوله‌بندی شده، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

به‌منظور بررسی نقش دبیران در پرداختن به مسائل زندگی خانوادگی، دوازده سؤال به سبک پنج درجه‌ای لیکرت تدوین شد. خلاصه این سؤالات در جدول شماره ۱ درج شده است.

جدول شماره ۱: دیدگاه دانش‌آموزان درباره نقش دبیران دبیرستان‌ها در پرداختن به مسایل زندگی خانوادگی

شخص	طیف	خیلی کم	کم	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد	درصد زیاد و خیلی زیاد	نظری ندارم	میانگین	انحراف معیار
۱	آموزش روبرو شدن با مشکلات خانوادگی	۸۸/۰	۲۲	۶۶	۱۳	۶	۹/۶	۲	۲/۱۱	۱/۱۵
۲	آموزش صبر و بردباری برای حل مشکلات خانوادگی	۴۵	۵۴	۴۹	۲۳	۸	۳۰/۹	۸	۲/۴۹	۱/۱۵
۳	آموزش برقراری ارتباط صحیح	۱۵	۱۷	۶۶	۵۸	۲۳	۴۶/۲	۸	۳/۴۰	۱/۱۱
۴	آموزش ارکان اصلی زندگی خانوادگی	۵۶	۲۴	۵۰	۲۰	۷	۱۳/۸	۳۰	۲/۳۲	۱/۱۷
۵	آموزش شناخت ارزش‌های خانوادگی	۲۹	۴۱	۶۲	۳۵	۶	۲۰/۸	۲۴	۲/۴۹	۱/۰۷
۶	تأکید بر نقش مذهب در زندگی خانوادگی	۱۱	۱۵	۲۷	۶۹	۷۴	۷۲/۶	۱	۳/۹۱	۱/۱۵
۷	معرفی کتاب‌های مفید برای زندگی خانوادگی	۸۶	۳۴	۳۱	۹	۷	۸/۲	۳۰	۱/۹۰	۱/۱۳
۸	تأکید بر قداست خانواده	۵۸	۲۰	۶۰	۲۳	۲۸	۲۵/۹	۸	۲/۴۹	۱/۴۰
۹	افزایش اعتماد به نفس و خودباوری دانش‌آموزان	۲۵	۲۲	۴۱	۵۳	۵۱	۵۲/۸	۵	۳/۴۳	۱/۳۴
۱۰	آموزش شیوه تربیت فرزند	۸۵	۳۰	۲۸	۱۴	۳۱	۲۲/۸	۹	۲/۳۴	۱/۵۰
۱۱	تأکید بر ساده زیستی	۳۳	۲۰	۳۲	۳۵	۷۳	۵۴/۹	۴	۳/۴۹	۱/۵۰
۱۲	پرهیز از انتظارات غیر واقع‌بینانه در زندگی	۳۱	۲۴	۷۹	۲۷	۱۴	۲۵/۹	۱۲	۲/۸۸	۱/۱۳

* اعداد ردیف اول هر سطر فراوانی و اعداد ردیف دوم درصد را نشان می‌دهد.

نتایج جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که بیشترین درصد پاسخ‌ها در سطح زیاد و خیلی زیاد از نظر دانش‌آموزان مربوط به شاخص شماره ۶ (تأکید بر نقش مذهب و اعتقادات اسلامی در زندگی خانوادگی) با $۷۲/۶\%$ ($M=۳/۹۱$) و کمترین درصد پاسخ‌ها مربوط به شاخص شماره ۷ (معرفی کتاب‌های مفید در زمینه تشکیل و تحکیم خانواده) با $۸/۲\%$ ($M=۱/۹۰$) می‌باشد.

نتایج جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که میانگین ۱۲ سؤال مذکور برابر $۲/۸۲$ با انحراف معیار $۰/۷۵$ و خطای معیار $۵/۳۳$ می‌باشد. مقدار t در آزمون T تک‌نمونه‌ای در مورد نقش دبیران در پرداختن به مسائل زندگی خانوادگی $۳/۲۲$ بدست آمد که میانگین این حیطة $(۲/۸۲)$ با سطح اطمینان کوچک‌تر یا مساوی ۵ صدم معنادار نبود. بنابراین، نقش دبیران در پرداختن به مسائل خانوادگی به دانش‌آموزان کمتر از سطح متوسط می‌باشد.

جدول شماره ۲: مقایسه میانگین نمره فعالیت‌های دبیران در زمینه پرداختن به مسائل زندگی خانوادگی با نمره ملاک

حیطه	\bar{x}	S	Se	T
نقش دبیران	۲/۸۲	۰/۷۵	۵/۳۳	-۳/۲۲

مقایسه نظرات دانش‌آموزان برحسب محل تحصیل درباره نقش دبیران معنادار نبود. اما F محاسبه شده برای مقایسه نظرات پاسخگویان برحسب رشته تحصیلی معنادار بوده ($F=۳۵/۹$ ، $P=۰/۰۰$)، نشان داد که دانش‌آموزان رشته ریاضی و تجربی، فعالیت‌های دبیران در پرداختن به مسائل زندگی خانوادگی را کمتر از دانش‌آموزان رشته علوم انسانی می‌دانند (میانگین‌های $۲/۲۳$ و $۲/۲۷$ در مقابل میانگین $۳/۰۹$).

تجزیه و تحلیل سؤال باز پاسخ نیز نشان داد، ۲۵% دانش‌آموزان معتقدند دبیران باید غیر از آموزش محتوای کتاب‌های درسی، جلسات مباحثه با دانش‌آموزان تشکیل داده و درباره موضوعاتی مانند نحوه انتخاب همسر، شیوه همسررداری، چگونگی روبه‌رو شدن با مشکلات زندگی، نحوه تفاهم و سازگاری در زندگی مشترک آموزش‌های لازم را ارائه دهند. ۹% از دانش‌آموزان بر این باور بودند که دبیران باید رفتار مناسب و شایسته‌ای داشته باشند و نحوه برخورد و طرز فکر آن‌ها به‌گونه‌ای باشد که بتوانند الگوهای مناسبی برای دانش‌آموزان باشند. ۸% نیز در مورد نقش دبیران معتقد بودند که بهترین روش آن است که آن‌ها تجربیات مفید و سازنده خود در زندگی را بازگو کنند.

به منظور بررسی نقش مشاوران و مربیان تربیتی در پرداختن به این مسائل، ۱۴ سؤال به سبک لیکرت تهیه شد که خلاصه آن در جدول شماره ۳ درج شده است.

جدول شماره ۳: دیدگاه دانش‌آموزان درباره نقش مشاوران و مربیان تربیتی
در پرداختن به مسائل زندگی خانوادگی

شاخص	طیف	خیلی کم	کم	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد	درصد زیاد و خیلی زیاد	نظری ندارم	میانگین	انحراف معیار
۱	آموزش روبه‌رو شدن با مشکلات خانوادگی	۴۹/۹	۲۲	۵۳	۳۷	۲۶	۳۲	۱۰/۵	۲/۸۳	۱/۳۷
۲	پیشگیری از مشکلات اخلاقی	۳۲	۳۵	۵۵	۴۵	۲۲	۳۴	۸	۲/۹۴	۱/۲۵
۳	تأکید بر نقش مذهب در زندگی خانوادگی	۲۸	۲۱	۲۳	۶۱	۶۱	۶۲	۳	۳/۵۴	۱/۴۰
۴	تأکید بر رعایت توصیه‌های اسلام در ازدواج	۲۹	۲۲	۵۴	۴۳	۱۹	۳۱/۴	۲۰	۲/۹۴	۱/۲۳
۵	تأکید بر رعایت سنت‌های ملی، مذهبی مربوط به شیوه انتخاب همسر	۲۷	۳۷	۳۶	۳۰	۵۳	۴۱/۶	۱۵	۳/۲۳	۱/۴۳
۶	بیان ویژگی‌های همسران خوب	۴۵	۳۴	۴۹	۲۹	۳۶	۳۳	۴	۲/۸۸	۱/۴۱
۷	آموزش مهارت‌های لازم برای برنامه‌ریزی زندگی خانوادگی	۴۳	۵۳	۴۱	۲۱	۲۴	۲۲/۹	۱۵	۲/۶۱	۱/۳۱
۸	آموزش آیین همسرداری	۵۴	۵۳	۴۵	۱۰	۷	۸/۷	۲۶	۲/۱۷	۱/۰۸
۹	آموزش شیوه به تفاهم رسیدن در زندگی	۷۷	۴۹	۲۴	۲۳	۴	۱۳/۷	۳۰	۲/۰۲	۱/۱۴
۱۰	بیان زندگی‌های موفق و ناموفق	۲۵	۳۷	۴۶	۲۹	۳۶	۳۳	۲۴	۳/۰۸	۱/۳۴
۱۱	بیان خطرات انحلال خانواده	۳۲	۴۹	۳۹	۳۰	۳۷	۳۴	۱۰	۲/۹۵	۱/۳۸
۱۲	مشاوره با دانش‌آموزان در آستانه ازدواج	۵۴	۲۶	۴۷	۲۸	۲۴	۲۶/۴	۱۶	۲/۶۵	۱/۳۹
۱۳	برورش روحیه انتقادپذیری	۴۳	۲۷	۲۱	۶۰	۳۱	۴۶/۲	۱۵	۳/۰۴	۱/۴۵
۱۴	برگزاری جلسات پرسش و پاسخ مربوط به خانواده	۶۲	۱۹	۴۲	۲۹	۳۷	۳۳/۵	۸	۲/۷۸	۱/۵۲

* همان‌طور که گفته شد اعداد ردیف اول هر ستون فراوانی و اعداد ردیف دوم درصد را نشان می‌دهد.

نتایج جدول شماره ۳ نشان می‌دهد از نظر دانش‌آموزان، بیشترین درصد پاسخ‌ها در سطح زیاد و خیلی زیاد مربوط به شاخص شماره ۱۵ (تأکید بر نقش مذهب و اعتقادات اسلامی در زندگی خانوادگی) با $M=۳/۵۴$ و کمترین درصد پاسخ‌ها مربوط به شاخص شماره ۲۱ (آموزش شیوه به تفاهم رسیدن در زندگی مشترک) با $M=۲/۰۲$ و شاخص شماره ۲۰ (آموزش آیین همسرداری به دانش‌آموزان) با $M=۲/۱۷$ می‌باشد.

نتایج جدول شماره ۴ (نشان می‌دهد که میانگین نمرات برابر $۲/۸۳$ با انحراف معیار $۰/۸۱$ و خطای معیار $۵/۷۴$ می‌باشد. مقدار t در آزمون t تک‌نمونه‌ای در مورد نقش مشاور و مربیان تربیتی در پرداختن به مسائل زندگی خانوادگی $۲/۹۴$ - بدست آمد که در سطح خطای $۰/۵$ کوچک‌تر از

مقدار بحرانی جدول بود. بنابراین، نقش مشاوران و مربیان تربیتی در پرداختن به مسائل زندگی خانوادگی به دانش‌آموزان کمتر از سطح متوسط می‌باشد.

جدول شماره ۴: مقایسه میانگین نمره فعالیت‌های مشاوران و مربیان تربیتی در پرداختن به مسائل زندگی خانوادگی با نمره ملاک

حیطه	\bar{x}	S	Se	T
نقش مشاوران و مربیان تربیتی	۲/۸۳	۰/۸۱	۵/۷۴	-۲/۹۴

مقایسه نظرات دانش‌آموزان برحسب محل تحصیل معنادار بود و نشان داد که بین نظرات دانش‌آموزان شهرهای اردکان، یزد و میبد درباره نقش مشاوران و مربیان تربیتی اختلاف وجود دارد ($F=۳/۴۲$, $P=۰/۰۳$). دانش‌آموزان شهر میبد، نقش مشاوران و مربیان تربیتی را بیشتر از دانش‌آموزان شهرهای یزد و اردکان دانستند (میانگین ۳/۰۱ در مقابل میانگین‌های ۲/۸۰ و ۲/۶۰). هم‌چنین F محاسبه شده برای مقایسه نظرات دانش‌آموزان برحسب رشته تحصیلی معنادار بود ($F=۲۲/۵$, $P=۰/۰۰$) و نشان داد که دانش‌آموزان رشته ریاضی فعالیت‌های مشاوران و مربیان تربیتی را در پرداختن به مسائل زندگی خانوادگی کمتر از دانش‌آموزان رشته علوم تجربی دانسته‌اند. دانش‌آموزان رشته ریاضی و تجربی نیز فعالیت‌های مشاوران و مربیان تربیتی را در پرداختن به این مسائل کمتر از دانش‌آموزان رشته علوم انسانی دانسته‌اند (۲/۰۱ و ۲/۶۲ در مقابل ۳/۰۳).

ضمناً نتایج حاصل از سؤال باز پاسخ نشان داد ۴۱٪ از دانش‌آموزان، مشاوران و مربیان تربیتی را به‌عنوان عوامل انسانی مهم در دبیرستان که می‌توانند دختران را برای زندگی فردا آماده سازند معرفی کردند. از نظر آن‌ها این دو عضو مفید و سازنده باید دانش‌آموزان را با مسئولیت خطیر و مهم اداره کردن زندگی آشنا سازند و با گذاشتن جلسات بحث و پرسش و پاسخ در زمینه زندگی آینده، راه دشوار زندگی را بر آنان هموار سازند. ۱۴٪ نیز به نقش راهنمایی و هدایت مشاوران و مربیان تربیتی تأکید داشتند و بر این باور بودند که در این زمینه آن‌ها باید با دانش‌آموزان چنان صمیمی و دوستانه برخورد نمایند و به نحوی اعتماد آن‌ها را جلب کنند تا آن‌ها تشویق به مراجعه و بیان مشکل‌شان شوند.

برای بررسی نقش مدیران در پرداختن به مسائل زندگی خانوادگی در دبیرستان، از یک پرسشنامه ده سؤالی استفاده شده که نتایج آن در جدول شماره ۵ آورده شده است.

جدول شماره ۵: دیدگاه دانش‌آموزان درباره نقش مدیران مدارس

در پرداختن به مسائل زندگی خانوادگی

شاخص	طیف	خیلی کم	کم	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد	درصد زیاد و خیلی زیاد	نظری ندارم	میانگین	انحراف معیار
۱	دعوت از مشاوران خانواده برای سخنرانی و مشاوره	۳۱	۱۰	۲۱	۶۳	۶۶	۶۵/۵	۳	۳/۶۴	۱/۴۱
۲	برگزاری کلاس‌های آموزش خانواده	۵۸	۳۴	۴۱	۲۲	۳۸	۳۰/۵	۲	۲/۷۳	۱/۴۸
۳	برقراری روابط انسانی صحیح در مدرسه برای آموزش عملی رفتار خوب	۴۹	۳۴	۴۸	۴۸	۱۱	۳۰	۷	۲/۶۷	۱/۲۶
۴	تهیه کتاب‌های مفید درباره زندگی خانوادگی	۴۹	۳۵	۳۶	۱۹	۵۲	۳۶	۳	۲/۹۴	۱/۵۵
۵	ایجاد زمینه فعالیت مربیان و مشاوران	۳۵	۴۵	۴۹	۳۹	۱۳	۲۶/۴	۱۶	۲/۷۲	۱/۲۰
۶	اجرای قوانین انضباطی عادلانه	۵۰	۲۸	۲۸	۲۳	۳۹	۳۱/۵	۱۹	۲/۸۴	۱/۵۰
۷	برقراری جو مشارکتی در مدرسه	۱۹	۱۸	۶۷	۴۲	۴۳	۲۴/۳۱	۸	۳/۳۸	۱/۲۲
۸	برگزاری مراسم مذهبی در مدرسه مربوط به زندگی	۱۰	۱۵	۲۶	۷۶	۶۵	۷۱/۶	۵	۳/۳۸	۱/۱۱
۹	پرهیزدانش آموزان از انتظارات غیرواقع‌بینانه	۲۹	۴۶	۴۱	۴۰	۳۶	۲۸/۶	۵	۳/۰۴	۱/۳۴
۱۰	ترغیب به رعایت موازین اسلامی در خانواده	۳۳	۲۳	۵۱	۶۱	۲۵	۴۳/۷	۴	۳/۱۱	۱/۲۷

نتایج جدول شماره ۵ نشان می‌دهد از نظر دانش‌آموزان، بیشترین درصد پاسخ‌ها در سطح زیاد و خیلی زیاد مربوط به شاخص شماره ۳۴ (برگزاری مراسم مذهبی برای آگاه نمودن دانش‌آموزان به نقش مذهب در زندگی) با $M=3/38$ و کمترین درصد پاسخ‌ها مربوط به شاخص شماره ۲۹ (برقراری روابط انسانی صحیح در مدرسه) با $M=2/67$ می‌باشد.

نتایج جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که میانگین نمرات برابر $3/09$ با انحراف معیار $0/86$ و خطای معیار $6/13$ می‌باشد. اگرچه عدد $3/09$ بالاتر از میانگین ملاک است ولی آزمون T این تفاوت را معنادار ندانسته است. مقدار t در آزمون T تک‌نمونه‌ای در مورد نقش مدیران $1/50$ بدست آمد که در سطح خطای $0/05$ کوچک‌تر از مقدار بحرانی جدول بود. بنابراین، نقش مدیران در پرداختن به مسائل زندگی خانوادگی در دبیرستان کمتر از سطح متوسط می‌باشد.

جدول شماره ۶: مقایسه میانگین نمره فعالیت‌های مدیران در پرداختن به مسائل زندگی خانوادگی با نمره ملاک

T	Se	S	\bar{x}	حیطه
۱/۵۰	۶/۱۳	۰/۸۶	۳/۰۹	نقش مدیران

مقایسه نظرات دانش‌آموزان برحسب محل تحصیل معنادار نبود. اما F محاسبه شده برای مقایسه نظرات دانش‌آموزان برحسب رشته تحصیلی معنادار بود ($F=۲۶/۳۹$, $P=۰/۰۰$) و نشان داد که دانش‌آموزان رشته‌های ریاضی و تجربی، فعالیت‌های مدیران در پرداختن به مسائل خانوادگی را کمتر از دانش‌آموزان رشته‌های علوم انسانی می‌دانند ($۲/۴۷$ و $۲/۵۲$ در مقابل $۳/۳۶$).

هم‌چنین، با بررسی سؤال باز پاسخ مشخص شد که دانش‌آموزان برای نقش مدیران تنوع بیشتری قائل‌اند. ۱۹% براین باور بودند که مدیران می‌توانند با توجه به مناسبت‌های مختلف یا در مراسم صبحگاه، مطالب و موارد مناسبی را در زمینه مسائل خانوادگی گوشزد کنند. ۹% معتقد بودند با توجه به اجرایی بودن وظیفه مدیر، باید از کارشناسان مختلف در زمینه مسائل خانوادگی از قبیل مشاورین خانواده، روان‌شناسی، کارکنان و رؤسای دادگاه‌های خانواده دعوت به‌عمل آورند تا تجربیات و نظرات مفید و سازنده خود را در اختیار دانش‌آموزان قرار دهند.

۲۴% اعتقاد داشتند مدیران باید به‌صورت فوق برنامه کلاس‌هایی را تشکیل دهند و موضوعاتی از قبیل عواقب طلاق، نحوه همسررداری و مسائل مهم زندگی مشترک توسط کارشناسان یا حتی مشاور و مربی تربیتی مدرسه به بحث گذاشته شود. از نظر آن‌ها این کلاس‌ها باید از ابتدای سال هنگام برنامه‌ریزی و سازماندهی دروس در نظر گرفته شود و شرکت در آن‌ها اجباری باشد.

به‌منظور بررسی نقش کتاب‌های درسی در پرداختن به مسائل زندگی خانوادگی از ده سؤال به

سبک لیکرت (جدول ۷) استفاده شد.

جدول شماره ۷: دیدگاه دانش‌آموزان درباره نقش کتاب‌های درسی

در پرداختن به مسائل زندگی خانوادگی

شخص	طیف	خیلی کم	کم	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد	درصد زیاد و خیلی زیاد	نظری ندارم	میانگین	انحراف معیار
۱	آشناسازی با نقش خانواده در اجتماع	۲۱	۱۵	۷۱	۶۲	۲۱	۴۲/۳	۷	۳/۳۴	۱/۱۱
۲	آموزش برقراری روابط اجتماعی به ویژه با همسر	۱۹/۸	۷/۶	۳۸/۶	۷۶	۱۵	۳۱	۶	۲/۹۱	۱/۲۰
۳	آموزش ارکان زندگی (تفاهم و سازگاری)	۲۱/۸	۱۹/۸	۹/۱	۷۱	۱۴	۱۶/۲	۱۲	۲/۵۷	۱/۱۶
۴	تأکید بر رعایت توصیه‌های اسلام درباره خانواده	۲۱/۳	۱۰/۲	۲۰/۳	۴۹	۳۹	۴۴/۷	۷	۳/۱۲	۱/۴۳
۵	پوروش روحیه تعاون و همکاری	۱۹	۳۶	۶۹	۴۷	۲۱	۳۴/۶	۵	۳/۰۷	۱/۱۲
۶	آموزش نحوه قضاوت صحیح در زندگی	۲۱/۳	۱۶/۲	۲۳/۹	۴۷	۹	۲۵/۴	۲/۶	۲/۶۶	۱/۲۳
۷	آموزش نحوه احترام گذاشتن به دیگران	۶/۱	۱۲/۷	۲۶/۹	۵۳	۴۵	۴۷/۷	۱۳	۳/۴۸	۱/۱۸
۸	آموزش متعادل ساختن توقعات در زندگی	۱۹	۳۵	۷۷	۲۴	۲۷	۲۵/۹	۱۵	۳/۰۲	۱/۱۵
۹	آموزش دوری از انحرافات اخلاقی	۳۴	۲۰	۵۰	۲۹	۵۰	۴۰/۱	۱۴	۳/۲۲	۱/۴۳
۱۰	آموزش شناخت صحیح در انتخاب همسر	۲۳/۹	۹/۶	۱۴/۷	۲۹	۵۱	۴۱/۱	۲۱	۲/۹۸	۱/۴۶

نتایج جدول شماره ۷ نشان می‌دهد از نظر دانش‌آموزان، بیشترین درصد پاسخ‌ها در سطح خیلی زیاد مربوط به شاخص شماره ۴۳ (آموزش نحوه احترام گذاشتن به دیگران) با $M=3/48$ و کمترین درصد پاسخ‌ها مربوط به شاخص شماره ۳۹ (آموزش ارکان اصلی زندگی، تفاهم و سازگاری) با $M=2/57$ می‌باشد.

نتایج جدول شماره ۸ نشان می‌دهد که میانگین نمرات برابر $3/03$ با انحراف معیار $5/6$ می‌باشد. اگر چه عدد $3/03$ بالاتر از میانگین ملاک است ولی آزمون T این تفاوت را معنادار ندانسته است. مقدار t در آزمون T تک‌نمونه‌ای در مورد نقش کتاب‌های درسی $0/68$ بدست آمد که در سطح خطای $0/05$ کوچک‌تر از مقدار بحرانی جدول بود. بنابراین، نقش کتاب‌های درسی در پرداختن به مسائل زندگی خانوادگی کمتر از سطح متوسط می‌باشد.

جدول شماره ۸: مقایسه میانگین نمره نقش کتاب‌های درسی در پرداختن

به مسائل زندگی خانوادگی با نمره ملاک

T	Se	S	\bar{x}	حیطه
۰/۶۸	۵/۶	۰/۷۹	۳/۰۳	نقش کتاب‌های درسی

مقایسه نظرات دانش‌آموزان برحسب محل تحصیل معنادار نبود اما F محاسبه شده برای مقایسه نظرات دانش‌آموزان برحسب رشته تحصیلی معنادار بود ($F=30/52, P=0/00$) و نشان داد که دانش‌آموزان رشته ریاضی نقش کتاب‌های درسی در پرداختن به مسائل زندگی خانوادگی را کمتر از رشته‌های علوم تجربی دانسته‌اند (۲/۲۳ و ۲/۶۷ در مقابل ۳/۲۸).

نتایج حاصل از سؤال باز پاسخ حاکی است، ۲۹٪ دانش‌آموزان معتقدند در کتاب‌های درسی به‌خصوص دروس عمومی باید فصلی جداگانه برای آموزش مسائل زندگی خانوادگی در نظر گرفته شود و محتوای کتاب‌ها از حالت نظری و تئوری صرف به شکل عملی و مفید برای زندگی آینده تغییر یابد. ۶۷٪ نیز بر این باور بودند که کتاب‌های خاص در زمینه مسائل زندگی خانوادگی از طرف سازمان برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی باید انتشار یابد و به‌عنوان دروس اصلی مقطع متوسطه تدریس شود.

در مجموع، مقایسه نظرات دانش‌آموزان، نسبت به نقش هر یک از چهار عامل آموزشی دبیران، مدیران، مشاوران و مربیان تربیتی و کتاب‌های درسی نشان داد که میانگین نمرات یکسان نبوده است (جدول‌های شماره ۲، ۴، ۶ و ۸).

بیشترین تأثیر مربوط به نقش مدیران با میانگین ۳/۰۹ و کمترین تأثیر مربوط به دبیران، با میانگین ۲/۸۲ بوده است.

نتایج سؤال باز پاسخ که از دانش‌آموزان پرسیده شد آیا عامل دیگری به غیر از موارد مذکور در پرسشنامه پژوهش وجود دارد که می‌تواند در آموزش مسائل زندگی خانوادگی در مدرسه نقش داشته باشد، نشان داد که ۱۰٪ گفتگوهای دوستانه و متفرقه‌ای که بین آن‌ها در ساعات فراغت رد و بدل می‌شود را مهم تلقی کرده و به تأثیر عمیق آن در روحیه و افکار دانش‌آموزان معتقد بودند. به نظر آنان چون در سنین دبیرستانی تأثیر دوستان و همکلاسان از هر عامل دیگر حتی پدر و مادر بیشتر است و فرد بیشترین ساعات در مدرسه را با آنان سپری می‌کند، می‌توانند در مثبت یا منفی نگرستن به زندگی آینده نقش داشته باشند. دیگر عوامل مهم ذکر شده از نظر دانش‌آموزان عبارتند از: شرکت در جلسات آموزش حقوق زنان در مدارس، اردوها و بازدیدهای علمی مانند بازدید از دادگستری، تهیه بروشور و پوستر درباره مسائل مربوط به طلاق، دعوت از زوج‌های خوشبخت برای الگو گرفتن از زندگی آن‌ها و آموزش مسائل زندگی خانوادگی به اولیاء دانش‌آموزان.

بحث

تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که از دید دانش‌آموزان، نقش عوامل آموزشی مورد بحث در این پژوهش کمتر از سطح متوسط است. به‌عبارت دیگر، عوامل آموزشی مذکور مسائل مربوط به زندگی خانوادگی را در حد ضرورت در دبیرستان‌ها آموزش نمی‌دهند. البته پژوهشی که به‌منظور سنجش میزان آگاهی دختران نسبت به حقوق خانواده و

عوامل مؤثر بر آن توسط دامن پاک مقدم (۱۳۸۵) صورت گرفت، نشان داد که در سطح شهر قم نیز، میانگین میزان آگاهی دختران از حد متوسط پایین‌تر است.

از نظر دانش‌آموزان، دبیرستان‌ها غالباً به آموزش مسائل درسی و محتوای کتاب‌های درسی می‌پردازند و از ازدواج، شیوه همسررداری و مشکلات موجود در زندگی خانوادگی حرف‌های زیادی به میان نمی‌آورند. پژوهش‌های انجام گرفته در مورد عوامل مؤثر بر پایین بودن سطح مهارت‌های زندگی نیز نشان می‌دهد که عواملی مانند دیکته شدن محتوای آموزشی در قالب کتاب‌های درسی، انفعالی بودن دانش‌آموزان و عدم ارتباط عمیق بین خانواده و مدرسه در پایین بودن سطح مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان مؤثر بوده‌اند (میرجوادی کرمانی، ۱۳۸۱ به نقل از گیلک، ۱۳۸۵). شاید بتوان علت کم بودن آموزش‌ها را این‌گونه توجیه کرد، به علت اهمیت بیش از حدی که دانش‌آموزان سه شهر جامعه پژوهش به مسائل مرتبط با خانواده قائلند، میزان پرداختن به آن‌ها را در مدارس ناکافی می‌دانند و سطح انتظار آن‌ها در این مورد بالاتر است. از سوی دیگر، شاید از جمله دلایل این موضوع که مسئولین دبیرستان‌ها وارد مباحث زندگی و خانواده نمی‌شوند، این است که آن‌ها وظیفه اصلی خود را آموزش مطالب درسی قلمداد می‌کنند و از رکن دیگر که پرورش است، غافل مانده‌اند. در حالی که مهارت‌آموزی در دبیرستان‌ها علاوه بر رشد کیفیت زندگی زناشویی و خانوادگی، می‌تواند از بسیاری از رفتارهای پرخطری که زمینه‌ساز بحران‌های خانوادگی در آینده خواهند شد، پیشگیری نماید. از جمله این برنامه‌ها می‌توان به آموزش‌های مدرسه محور پیشگیری از ایدز^۸ اشاره کرد. این برنامه امروزه به‌عنوان یکی از قوی‌ترین راهبردها برای افزایش آگاهی نوجوانان نسبت به بیماری ایدز و راه‌های پیشگیری از آن مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای مثال کایا^۹ و مابتوا^{۱۰} (۱۹۹۷) در پژوهشی دریافتند که نوجوانان نیازمند کسب اطلاعات صحیح در مورد مسائل مرتبط با ایدز از طریق منابع مطمئن هستند. منابع اطلاعاتی آن‌ها شامل تلویزیون، مجلات، دوستان و برنامه‌های آموزشی مدارس است که از بین آن‌ها برنامه‌های آموزشی مدارس که ضمن ارائه اطلاعات بیشتر، آن‌ها را به مهارت‌های تصمیم‌گیری و مقابله‌ای نیز مجهز می‌کند و امکان مشاوره فردی را برایشان فراهم می‌سازد، سودمندتر از بقیه است. دلیل دیگر این است که شاید مسئولان دبیرستان‌ها طرح مسائل مربوط به زندگی خانوادگی را در مدارس زود هنگام می‌دانند. در حالی که پژوهش‌ها در این خصوص نشان می‌دهد که این آموزش‌ها باید قبل از ازدواج و در سنین دبیرستان صورت گیرد. به‌عنوان مثال جعفری (۱۳۸۴) طی تحقیقی به بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی پیش از ازدواج بر افزایش رضایت زناشویی پس از ازدواج پرداخت. نتایج نشان داد که این‌گونه پژوهش‌ها در افزایش رضایت زناشویی و افزایش سازگاری مؤثر بوده است. در همین راستا، مارکمن^{۱۱}، استینلی^{۱۲} و بلورگ^{۱۳} (۱۹۹۴) در پژوهشی دریافتند که آموزش مهارت‌های ارتباطی در ارتقاء کیفیت و رضایت زناشویی

و کاهش احتمال طلاق مؤثر بوده و این اثرات پس از پایان دوره آموزشی، اثرات مثبت پایداری بر روابط فرد دارد. مارکمن و همکاران (۱۹۹۱) نیز در یک مطالعه طولی اثر برنامه آموزش ارتباط را بر ارتباط همسران در دراز مدت بررسی کردند و به نتایج مثبتی دست یافتند.

نتایج پژوهش نشان داد که بین دیدگاه دانش‌آموزان درباره نقش عوامل مختلف آموزشی در پرداختن به مسائل زندگی خانوادگی تفاوت وجود دارد. بالاترین میانگین مربوط به نقش مدیران و کمترین میانگین مربوط به نقش دبیران است. در توجیه این نتیجه می‌توان چنین گفت که مدیران با توجه به نوع وظایف و اجرایی بودن نقش آن‌ها، از امکانات و اختیارات بیشتری برخوردارند و وقت بیشتری برای هدایت و راهنمایی دانش‌آموزان در زمینه مسائل زندگی خانوادگی صرف می‌کنند. در این راستا سبحانی‌نژاد (۱۳۷۹)، طی تحقیقی ضمن برشمردن مهارت‌های اساسی مدیران، مهارت در برقراری روابط گروهی و همچنین برقراری روابط انسانی را از جمله اساسی‌ترین مهارت‌های مدیران قلمداد می‌کند. به نظر او بهره‌گیری مدیران از این مهارت‌ها باعث برقراری جو مشارکتی در مدرسه شده که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر عملکرد دانش‌آموزان در یادگیری مهارت‌های اجتماعی مؤثر خواهد بود.

نتایج همچنین نشان داد که دانش‌آموزان رشته‌های مختلف در خصوص فعالیت‌های دبیران، مدیران، مشاوران، مربیان تربیتی و کتاب‌های درسی نظرات متفاوتی دارند. به‌عبارت دیگر، دانش‌آموزان رشته علوم انسانی نقش عوامل آموزشی در پرداختن به مسائل خانواده را بیشتر از دو رشته دیگر دانسته‌اند. در توجیه این مطلب می‌توان گفت ارتباط دروس رشته علوم انسانی مانند جامعه‌شناسی و روان‌شناسی با مسائل مربوط به خانواده، همچنین انعطاف بیشتر موضوعات درسی این رشته نسبت به سایر رشته‌ها موجب می‌شود تا آن‌ها آگاهی بیشتری نسبت به مسائل زندگی خانوادگی بدست آورند.

در مجموع، دست‌اندرکاران مدارس به‌خصوص در مقطع متوسطه باید توان خود را به‌کارگیرند تا علاوه بر آموزش مسائل علمی، پدران و مادران شایسته تربیت کنند. با توجه به اهمیت دوران نوجوانی و خصوصیات ویژه اخلاقی و جسمی این دوران، این آموزش‌ها به‌طور قطع تأثیرگذار است و می‌تواند در کاهش مشکلات اجتماعی مانند طلاق نقش داشته باشد. بهره‌مند شدن از زندگی مستقل، علاقه به فرزند و مهرطلبی، از عوامل مهمی هستند که با آموزش آن تا حد زیادی می‌توان نوجوانان را برای زندگی آینده آماده کرد. بنابراین، کارشناسان تربیتی، مؤلفین کتاب‌های درسی و اولیاء مدرسه باید توجه داشته باشند که آموزش مهارت‌های زندگی باید در دوران دبیرستان مورد توجه وافر قرارگیرد.

یادداشت‌ها

1. Moote
2. Wodarski
3. Slavin
4. Newman
5. Hamburg
6. Hallauvi
7. Massen
8. School- based HIV prevention education
9. Kaya
10. Mabetoa
11. Markman
12. Stanley
13. Blumberg

منابع

- امام‌خمینی، روح‌ا... (۱۳۵۸). *صحیفه نور*، تهران: انتشارات وزارت ارشاد.
- اسماعیلی‌یزدی، عباس (۱۳۸۱). *فرهنگ تربیت*، تهران: انتشارات دلیل‌ما.
- بهجتی اردکانی، فاطمه (۱۳۸۲). *بررسی عوامل آموزشگاهی، فرهنگی و خانوادگی مؤثر بر پایین بودن طلاق در استان یزد*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه اصفهان.
- جعفری (۱۳۸۴). *بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی پیش از ازدواج بر افزایش رضایت زناشویی زوجین پس از ازدواج*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مشاوره خانواده، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- جلالی، دایوش و جلالوند، لادن (۱۳۸۵). *بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر سازگاری زناشویی زوجها، چکیده مجموعه مقالات دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- دامن‌پاک مقدم، ناهید (۱۳۸۵). *سنجش میزان آگاهی دختران نسبت به حقوق خانواده و عوامل مؤثر بر آن*، چکیده مجموعه مقالات دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- سبحانی‌نژاد، مهدی (۱۳۷۹). *بررسی راه‌های ایجاد زمینه مشارکت دانش‌آموزان در امور آموزشگاه‌ها از دیدگاه دانش‌آموزان، اولیاء و مربیان (مدیر، مربی پرورشی، معلم) دوره ابتدایی در استان اصفهان*، پروژه تحقیقاتی، سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان.
- سعادت‌مند، زهره (۱۳۷۱). *تربیت همگام با مراحل زندگی*، تهران: انتشارات بهار.
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۷۳). *روان‌شناسی پرورشی*، تهران: انتشارات آگاه.
- شرفی، محمدرضا (۱۳۷۶). *با فرزند چگونه رفتار کنیم*، تهران: انتشارات بهار.
- شریعتمداری، علی (۱۳۵۳). *جامعه و تعلیم و تربیت (مبانی تربیت جدید)*، تهران: انتشارات چاپ‌پخش.
- صافی، احمد (۱۳۷۸). *ویژگی‌ها و صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان*، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- فاتحی‌زاده، مریم و فتحی، فاطمه (۱۳۸۰). *بررسی عملکرد مدرسه در ایجاد و پرورش مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه شهر اصفهان*، پروژه تحقیقاتی، سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان.
- قائمی، علی (۱۳۷۳). *زمینه تربیت*، قم: انتشارات امیری.
- کرمی‌نوری، رضا و مرادی، علی‌رضا (۱۳۷۶). *روان‌شناسی تربیتی*، تهران: انتشارات تربیت‌معلم.
- گیلک، مهناز (۱۳۸۵). *آموزش مهارت‌های زندگی از طریق فعالیت‌های مکمل و فوق برنامه مدارس*، ماهنامه آموزشی، تربیتی پیوند، شماره ۳۱۸.

ماسن، پاول هنری و همکاران (۱۳۷۰). **رشد شخصیت کودکان**، ترجمه مهشید یاسایی، تهران: نشر مرکز.
ملکی، بهار (۱۳۷۶). **پرورش اعتماد به نفس**، انتشارات ققنوس.

- Badger, E; Barns, F. & vielze, P. (1981). Material risk factors: Predictors of developmental outcome in early childhood. *Infant Mental Health journal*. 2, 151-162.
- Blumberg, S. L. (1991). Premarital intervention programs: A comparison study (Doctoral dissertation, university of Denver, 1991) *Dissertation Abstracts International*, 52, 2762.
- Giblin, p; Sprenkle, D. H. & Sheehan, R. (1985). Enrichment outcome research: A meta-analysis of premarital, marital and family interventions. *Journal of Marital and family therapy*. 11, 257-271.
- Guerny, B. G. (1977). *Relationship enhancement*. Sanfrancisco, CA: Jossey-Bass.
- Hamburg, B. A. (1990). *Life-skills training: Preventive inter-ventions for young adolescents*. Washington, DC: Carnegie Council on Adolescent Development.
- Markman, H. J; Stanley, S. & Blumberg, S. L. (1994). *Fighting for your marriage: Positive steps for preventing divorce and preserving a lasting love*. San Francisco, CA: Jossey-Bass.
- Moote, J. R. & Wodarski, J. S. (1997). The acquisition of life skills through adventure – based activities and problems: A review of the literature. *Adolescence*, 32, 125. *Pro Quest Education Journals*. 167-193.
- Newman, B. M. & Newman, P. R. (1987). *Development through Life: A psychosocial approach*. Chicago, IL: The Dorsey press.
- Phannenstiel, J. C. & Seltzer, D. A. (1989). New parents as taether : Evaluation of early parent education programs. *Early Childhood Reseach Quarterly*. 4, 1-18.
- Ridley, C.A. (1982). Relationship Enhancement with premarital couples: An Assessment of effects of relationship quality. *Americon Journal of family therapy*. 10,41-48.
- Slavin, R. E. (1989). *Effective problems for students at risk*. Report No. ISBN- O- 205- 11953-0 . Needham Heights, MA: Allyn and Bacon.
- Wodarski, J. S. (1988). Preventive health services for adolescents: A practice paradigm. *Social Work in Education*. 22(1), 5-20.